



شاپا: ۵۴۱۲-۲۶۴۵

دوره ۲، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۷

صفحه ۱۹-۱

واکاوی ابعاد و عوامل مشروعیت یک نظام شهرسازی (با تکیه بر متون نظری جهانی و تحلیل نظر خبرگان داخلی)^۱

سیدحسین بحرینی* - استاد شهرسازی، دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران
ابراهیم زرگری مرنندی - پژوهشگر دوره دکتری شهرسازی، دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران
اسفندیار زبردست - استاد شهرسازی، دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۱۲

چکیده

مفهوم مشروعیت و مفاهیم نزدیک به آن چون حقانیت، موجه بودن، اعتبار و ... همواره جزو حوزه‌های مورد توجه ساختارهای سیاسی و نظام‌های عمومی و حتی خصوصی بوده است. اما با وجود استفاده بلاغی از این مفهوم در گفتمان‌های جاری در حوزه سیاسی، کمتر به دلالت‌های آن در زیرنظام‌های تخصصی یک حکومت، از جمله یک نظام شهرسازی، پرداخته شده است. در پژوهش حاضر سعی بر آن بوده تا ابعاد و عوامل مشروعیت یک نظام شهرسازی، هم از طریق مرور ادبیات و متون دانشگاهی و تخصصی و هم از خلال مصاحبه با ۲۳ خبره عرصه شهرسازی در ایران، مورد بررسی قرار گیرد. نتایج نشان می‌دهد که در کل تفاوت و شکاف شناختی چندانی میان محتوای متون جهانی و مجموع ادراک خبرگان داخلی در زمینه ابعاد و عوامل مشروعیت یک نظام شهرسازی وجود ندارد و در مجموع به ۱۷ عامل مشروعیت در ۴ بعد سیاسی-اجتماعی، قانونی، هنجاری و فنی-عملکردی رسیدیم. سپس با ادامه مصاحبه با ۱۶ تن از این خبرگان، ارتباط درونی و اندرکنش‌های بالقوه میان این عوامل با روش «نگاشت ادراکی فازی»، مورد تفحص قرار گرفته و در نهایت بر پایه شاخص ترکیبی حاصل از میانگین‌گیری از مقدار نرمالیزه سه شاخص فراوانی، مرکزیت و مجموع شدت اثرگذاری بالقوه عوامل و ابعاد بر پایه اولویت و اهمیتشان مرتب شدند. نتایج نشان می‌دهد که در مجموع، بعد قانونی دارای بیشترین امتیاز بوده و ابعاد سیاسی-اجتماعی، فنی-عملکردی و هنجاری در رده‌های بعدی اهمیت قرار گرفته‌اند.

کلیدواژه‌ها: نظام شهرسازی؛ عوامل مشروعیت؛ نقشه ادراکی فازی، ایران.

^۱ پژوهش حاضر مستخرج از رساله دکتری نگارنده دوم (ابراهیم زرگری مرنندی) با عنوان «تدوین چارچوبی جهت ارزیابی شبکه مشروعیت در نظام شهرسازی» در دانشکده شهرسازی پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران، به راهنمایی آقای دکتر سیدحسین بحرینی (نویسنده مسئول) و مشاوره آقای دکتر اسفندیار زبردست است.

E-mail: hbahrain@ut.ac.ir

* نویسنده مسئول:

ارجاع به این مقاله:

بحرینی، سیدحسین، زرگری مرنندی، ابراهیم، زبردست، اسفندیار. (۱۳۹۷). واکاوی ابعاد و عوامل مشروعیت یک نظام شهرسازی (با تکیه بر متون نظری جهانی و تحلیل نظر خبرگان داخلی). *دانش شهرسازی*، ۲(۳)، ۱۹-۱. doi: 10.22124/upk.2019.11876.1150

بیان مسأله

نظام‌های کنش جمعی^۱، برای پایدار ماندن نیاز به مشروعیت دارند (Sager, 2012, 33). نظام‌های شهرسازی و برنامه‌ریزی عمومی نیز برای ادامه حیات و توجیه وجودی خود نیازمند برخی پایه‌های موجه‌سازی و مشروعیت‌بخشی هستند. حجم عظیمی از مطالعات و نظریه‌پردازی در حوزه‌ی «مشروعیت» مرتبط با توجیه سازه و ساختاری هنجاری^۲ و عقلانی^۳ تحت عنوان کلی دولت-حکومت^۴ است. مسأله مشروعیت به‌طور کلی به نحوه ارتباط نهادهای متولی اموری مشخص و ذی‌نفعان^۵ متأثر از عمل این نهادها مرتبط است. بنابراین مسأله مشروعیت را می‌توان چه در ارتباط میان شرکت‌های خصوصی و کارکنان و مشتریانشان و چه میان نظام‌ها و نهادهای عمومی/دولتی/سیاسی و جامعه هدف و ذی‌مدخلانشان در نظر گرفت. در بسیاری از گفتارهای سیاسی و مدیریتی، مشروعیت مترادف با توجیه‌پذیری^۶ عقلانی و در برخی دیگر نتیجه حقی هنجاری^۷ و یا پذیرش عمومی ناشی از دارا بودن کیفیتی خاص تلقی می‌شود. صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان مفهوم مشروعیت، اهمیت و پیامدهای مثبت این توجیه‌پذیری سیستماتیک را در قالب‌های مختلف تعبیر می‌نمایند. پیامدهای سازنده‌ای چون «ایجاد اعتماد، دید مشترک و بهبود رابطه‌ی نظام حاکم و جامعه» (Martin & Mayntz, 1991; Jessop, 2002)، کاهش تضادها و تعارضات سیاسی^۸ و اجتماعی (Beetham, 1991)، افزایش اعتماد، مشارکت، مسئولیت‌پذیری، کارایی و در نهایت غرور شهروندی (Weatherford, 1992)، بهبود شرایط اجرا و نظارت به‌دلیل پذیرش سیاست‌ها از طرف ذی‌نفعان (Hybels, 1995)، افزایش تاثیر و کارایی نظام برنامه‌ریزی (Healey, 1998, 7)، کاهش هزینه تعارضات و بهبود همبستگی سیاسی (Simmons, 2001)، هم‌جهت نمودن قدرت‌ها، منابع و افزایش انگیزه‌های ذی‌نفعان (Few, 2002)، موجه شدن نقش سیستم حاکم در بستر اجتماعی و کمک به جذب منابع و حمایت مستمر از سمت اعضای جامعه (Ashforth, 1990)، بهبود ساختار حکمروایی از طریق تبیین، توجیه و ایجاد ساختاری برای فهم سیاست‌ها توسط جامعه و عموم مردم (Chambers, 2003)، عدم زیر سوال رفتن تصمیمات، طرح‌ها و سیاست‌ها و اجماع در پذیرش آن‌ها از سوی ذی‌نفعان (Stewart, et al., 2004, 49)، افزایش اعتماد و سرمایه‌ی اجتماعی^۹، بهبود شرایط ذهنی و عملی مشارکت و شمول اجتماعی^{۱۰}، توانمندسازی نهادی^{۱۱}، ارتقای حس تعلق و تقویت شفافیت و پاسخگویی^{۱۲} سامانه‌های حکمروایی به‌علت رابطه مثبت و سازنده با جامعه (Stewart, 2005)، بسیج^{۱۳} تمامی نیروها به‌دلیل اعتماد و تعامل مناسب میان نهادهای حاکم و کنشگران محلی^{۱۴} (Getimis & Grigoriadou, 2005: 176) و افزایش پایداری اجتماعی-سیاسی سیستم‌های شهری از طریق این ارتباطات (Jenkins, 2003)، افزایش امکان هم‌افزایی^{۱۵} میان بخش‌های مختلف شبکه‌ی حکمروایی (Haus & Heinelt, 2005)، افزایش تعهد شهروندی^{۱۶} (Getimis, et al., 2006)، افزایش انعطاف و خودسازماندهی سیستم حکمروایی در پاسخ به تغییرات و بحران‌ها (Aarsæther, et al., 2011) و حق اعمال قوانین و مقررات موجود و جدید و ایجاد یکپارچگی و اقتدار با اتکالی به پایه‌های شناخت‌شناسانه^{۱۷} در صورت عدم امکان اجماع^{۱۸} و نیز بهبود ساختارهای نهادی (Coakley, 2011; Alexander, et al., 2018) از جمله مواردی هستند که در منابع مختلف مرتبط با این موضوع ذکر شده‌اند. با وجود اهمیت «مشروعیت» در حوزه عمومی از جمله در نظام شهرسازی، اغلب استفاده از این مفهوم و واژه در گفتار عمومی، بیشتر در قالبی بلاغی^{۱۹} بوده است و

^۱ Collective Action

^۲ Normative-Deontic

^۳ Rational

^۴ State

^۵ Stakeholders

^۶ Justifiability

^۷ Normative Right

^۸ Political Conflict Resolution

^۹ Social Capital

^{۱۰} Social Inclusion

^{۱۱} Institutional Empowerment

^{۱۲} Accountability

^{۱۳} Mobilisation

^{۱۴} Local Actors

^{۱۵} Synergy

^{۱۶} Civic Obligation [Political/Moral]

^{۱۷} Epistemological Base

^{۱۸} Consensus

^{۱۹} Rhetorical

کمتر پژوهش‌های عمیق، ابعاد و عوامل این مفهوم را در نظام شهرسازی مورد مطالعه قرار داده است. به خصوص در زبان فارسی تا کنون مقاله‌ای به صورت خاص در زمینه صورت‌بندی و تعیین ابعاد و عوامل مشروعیت نظام شهرسازی با رویکردی جامع تدوین و منتشر نشده است. براساس مرور صورت گرفته توسط نگارندگان، تنها یک مقاله در زمینه مشروعیت برنامه‌ریزی توسط منتشلو و همکاران (۱۳۹۲) در اولین همایش «شهرسازی و معماری در گذر زمان» منتشر شده که تنها تلاش در زمینه تبیین کلیات این مفهوم داشته است؛ هر چند مقالات مختلف دیگر دلالت‌هایی بر بخش‌هایی از این مفهوم داشته‌اند، اما به صورت مستقیم روی مفهوم مشروعیت نظام شهرسازی و ابعاد و عوامل آن متمرکز نبوده‌اند. شناخت عوامل شکل‌گیری مشروعیت در یک نظام شهرسازی، می‌تواند اولین گام در راستای مشروعیت‌سنجی در یک نظام شهرسازی باشد و گام دوم پس از شناخت این عوامل، بررسی اهمیت آن‌ها و نیز اثرات متقابلشان است. پژوهش حاضر، با هدف روشن نمودن این موضوعات، پاسخ به دو پرسش اصلی را هدف خود قرار داده است:

پرسش نخست: ایجاد و حفظ مشروعیت یک نظام شهرسازی مبتنی بر چه ابعاد و عواملی است؟

در ذیل این سوال اصلی، بایستی به این سوالات فرعی هم پاسخ داده شود که «متون تخصصی و ادبیات نظری جهانی چه ابعاد و عواملی برای مشروعیت نظام شهرسازی را مورد توجه قرار داده‌اند؟» و با توجه به این که عوامل و ابعاد مشروعیت، از بافت و زمینه مورد مطالعه تاثیر می‌گذرند، دومین سوال فرعی این خواهد بود که «بر پایه نظر خبرگان و صاحب‌نظران ایرانی، ایجاد و حفظ مشروعیت یک نظام شهرسازی مبتنی بر چه ابعاد و عواملی است؟» و در نهایت این سوال فرعی مورد توجه قرار می‌گیرد که «آیا تفاوتی میان ابعاد و عوامل مشروعیت نظام شهرسازی براساس متون تخصصی و ادبیات جهانی و نظر خبرگان و صاحب‌نظران داخلی - با توجه به شناخت ایشان از بافت و زمینه شهرسازی ایران - وجود دارد؟»

پرسش دوم: چه ارتباط و اثرات متقابلی میان عوامل مختلف مشروعیت وجود دارد و اهمیت و اولویت عوامل و ابعاد مشروعیت در نسبت و مقایسه با یکدیگر چگونه است؟

بنابراین در بخش بعدی، روش‌شناسی ترکیبی پژوهش حاضر، با توجه به هدف پاسخ به سوالات مذکور، مورد بررسی قرار گرفته است. سپس ابعاد و عوامل مشروعیت یک نظام شهرسازی، با استفاده از مطالعه کتابخانه‌ای و نظری تدوین شده است. بعد از آن نتایج حاصل از مصاحبه با خبرگان در خصوص شناخت عوامل مشروعیت یک نظام شهرسازی تحلیل و ذکر شده است. در گام بعدی خروجی‌های مصاحبه‌ها و تحلیل‌های مبتنی بر روش «نگاشت نقشه ادراکی فازی» در راستای تعیین شبکه عوامل مشروعیت و رتبه‌بندی عوامل درج شده و در نهایت به بحث و نتیجه‌گیری پرداخته شده است.

مبانی نظری

یکی از اولین مباحث مُدرن حول مسأله‌ی مشروعیت حکومت با توجیه «حفاظت از نظم جامعه» در رساله «لویاتان» هابز مطرح شده است (Hobbes, 1994). اشترنبرگر (Sternberger, 1968) عالم سیاسی و اجتماعی آلمانی، مشروعیت را به‌عنوان قدرتی دولتی می‌داند که ناشی از آگاهی به ماهیت دولت در حاکمیت بوده و پس از به رسمیت شناختن این حق حکومت از طرف افراد تحت حاکمیت^۱، نوعی اقتدار به حکومت اعطا می‌کند. دال (Dahl, 1971, 1989) مشروعیت را به‌عنوان آستانه‌ای از سطح پذیرش^۲ عمومی در نظر می‌گیرد که در صورت تامین این سطح آستانه‌ای اقدامات دولت از طرف مردم قابل پذیرش است. لیپست (Lipset, 1983) مشروعیت را ظرفیتی دولتی^۳ تعریف می‌کند که ناشی از باور عمومی مبنی بر این است که چارچوب‌های نهادی و فرآیندهای موجود مناسب‌ترین و بهترین نظام با توجه به بستر^۴ و شرایط جامعه است. اشفورث (Ashforth, 1990, 177) پذیرش عمومی قدرت دولتی به سبب هماهنگی فرآیندها و خروجی‌های نهادی موجود با هنجارها، ارزش‌ها و انتظارات جامعه را به‌عنوان مفهوم مشروعیت در نظر گرفته و این موضوع را دارای طبیعتی بحث‌انگیز و مسأله‌زا معرفی می‌کند. مشروعیت همچنین به‌عنوان اجماعی ضمنی، و یا صریح در پذیرش حاکمیت دانسته می‌شود (Ashcraft, 1991) که برای قدرت حاکم حق پیچیده‌ی اخلاقی و

¹ Governed

² Threshold of Acceptance

³ Governmental Capacity

⁴ Context

قدرتی انحصاری^۱ به وجود می‌آورد تا روایی و اجازه‌ی ابلاغ و اعمال وظایف لازم‌الاجرا به سوژه‌های خود در قالب فرمان‌ها، دستورات، قوانین و ضوابط و اجازه اعمال زور برای اجرای دستورات را داشته باشد و این حق نه تنها مفهومی تدافعی و سلبی است، بلکه در عمل می‌تواند شکلی رویه‌ای ایجابی و قهری^۲ نیز داشته باشد (Simmons, 2001: 124; Estlund, 2008).

جدول ۱. مجموعه ابعاد و عوامل موثر بر مشروعیت یک نظام شهرسازی

ابعاد	عامل‌ها (یا به بیانی شاخص‌ها)	منابع مورد استفاده
سیاسی-اجتماعی	مشارکت فعال مردمی و کیفیت نمایندگی‌ها	Arnstein, 1969; Smith, 1973; Schmidt, 2006, 2008, 2010; Bailey, et al., 2011; Sinner, et al., 2015; Alexander, et al., 2018; Taylor, 2018
	کمیت مشارکت و شمول	Egner, et al., 2006; Montpetit, 2007; Liljenfeldt, 2014; Carothers and Brechenmacher, 2014; Sinner, et al., 2015; BUL, 2018; Taylor, 2018
	ایجاد وفاق و اجماع صریح یا ضمنی (مقبولیت خاص)	Habermas, 1987, 1996; Zelditch, 2001; Rossi, 2010; Mascarenhas and scarce, 2010; Allmendinger and Haughton, 2011; Fridahl, 2013
	شفافیت	Dryzek, 2000; Haus, et al., 2005; Heinelt, et al., 2006; Sørensen and Torfing, 2009; Schmidt, 2010, 2013; Héritier and Rhodes, 2011; Geeraert, 2014; Alexander, et al., 2018; Taylor, 2018
قانونی	پاسخگویی	Habermas, 1996; Torfing, et al., 2009; Schmidt, 2010; Risse, 2010; Geeraert, 2014; Alexander, et al., 2018; Taylor, 2018
	توان ظرفیت‌سازی و آموزش اجتماعی	Rein, 1969; Hellström, 1997; Innes and Booher, 2003; Healey, 2007; Muro and Jeffrey, 2008; Alexander, et al., 2018
هنجاری	کفایت (و ظرفیت) بستر قانونی همخوانی عملکردها و خروجی‌ها با قوانین و ضوابط موجود	Balamir and Payne, 2001; Jenkins, 2009; Brown, 2013; Choudhury, 2014; Hensgen, 2016; Alexander, et al., 2018
	همخوانی (یا عدم تعارض) خروجی‌ها با ساختار هنجاری-عرفی، اخلاقی، اعتقادی و ارزشی جامعه هدف وجود (و جاری بودن) کدهای اخلاقی (و چارچوب‌های هنجارین) موجه در کنش برنامه‌ریزی و شهرسازی	Scharpf, 1999; Matti, 2009; Schmidt, 2006, 2008, 2010; Risse, 2010; Geeraert, 2014; Hensgen, 2016; Adger, et al., 2017; Alexander, et al., 2018
فنی-عملکردی	کارایی (کمیت نیل به اهداف)	Wallner, 2008; Getimis, 2010; Liljenfeldt, 2014; Junjan, 2015; Hensgen, 2016; Alexander, et al., 2018; Taylor, 2018
	موثر بودن (جهت‌گیری صحیح برای اقدام و کیفیت حل مساله) توجه از طریق استفاده از روش‌های به روز و متخصصان شناخته شده (کیفیت روش‌های حل مساله)	Wallner, 2008; Schmidt, 2006, 2008, 2010; Risse, 2020; Getimis, 2010; Geeraert, 2014; Junjan, 2015; Alexander, et al., 2018
		Montpetit, 2007; Bailey, et al., 2011; Tait, 2012; Alexander, et al., 2018

در حوزه‌ی عمل برنامه‌ریزی (به صورت کلی) و شهرسازی (به صورت خاص) نیز این مفهوم تقریباً به‌عنوان تایید ضمنی و به رسمیت شناختن، پذیرش و حمایت از یک سیستم سیاست‌گذار و اداره‌کننده از طرف افراد مورد حاکمیت (Häikiö, 2007; Stewart, et al., 2004) و در قالب نوعی «قدرت اعطا شده»^۳ به نظام مدیریت شهری تعریف می‌شود (Twedwr-Jones, 1995; Allmendinger, 1996).

¹ Exclusive

[به این معنی که هیچ نهاد دیگری، جز دولت، نمی‌تواند به برخی از منابع قدرت دسترسی داشته باشد و یا به برخی اعمال برای ایجاد نظم در جامعه دست بزند.]

² Coercive

³ Delegated Power

در راستای واکوی و شناخت تفصیلی مفهوم مشروعیت، اولین گام، شناسایی عوامل (یا معیارهای) آن بر اساس مرور متون تخصصی و ادبیات نظری جهانی بوده است. برپایه مطالعه متون مرتبط با حوزه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی عمومی و شهرسازی، عوامل موثر بر مشروعیت یک نظام شهرسازی در چهار بعد به شرح زیر استخراج شد:

الف - بعد سیاسی-اجتماعی

- مشروعیت یک نظام شهرسازی در بعد سیاسی-اجتماعی، مرتب با ۶ عامل (یا منبع) است.
- کیفیت مشارکت مستقیم یا نمایندگی‌ها: یکی از عوامل مهم مشروعیت نظام شهرسازی، احساس اثرگذاری و انعکاس خواست مردم بر تصمیمات و طرح‌ها است (Schmidt, 2006, 2008, 2010; Alexander, et al., 2018). این امر وابسته به کیفیت شرایط مشارکت ذی‌مدخلان است که می‌تواند در قالب ایجاد شرایط مشارکت مستقیم (مردم‌سالاری شورایی)^۱ آنها یا نمایندگان منتخبشان در جریان برنامه‌ریزی و تهیه طرح‌ها به صورت موثر و در تمامی بخش‌های این فرایند حاصل شود.
 - کمیت مشارکت و شمول^۲: در کنار کیفیت مشارکت، میزان و کمیت شرکت ذی‌مدخلان و شمول تمامی افراد و گروه‌های ذی‌مدخل و مرتبط با مداخلات شهرسازانه (بدون ایجاد هیچ‌گونه محروم‌سازی^۳ از مشارکت و تبعیض) نیز مطرح است. هر چه کمیت مشارکت بیشتر باشد، خروجی نظام نیز از سوی مجموعه بزرگتری از ذی‌مدخلان مشروع خواهد بود.
 - ایجاد وفاق و اجماع صریح یا ضمنی (مقبولیت خاص): در صورتی که مشارکت ذی‌مدخلان با کیفیت و کمیت مطلوب صورت گیرد، همچنان برای ایجاد رضایت کلی آن‌ها و تامین مقبولیت و مشروعیت، این نیاز وجود دارد که مشارکت آن‌ها در نهایت به یک اجماع میان ذی‌مدخلان منتهی شود. این نوع مقبولیت از این رو از سوی نگارندگان، «مقبولیت خاص» نامیده شده که مشروعیت زیرنظام‌های یک حکومت از جمله یک نظام شهرسازی، به جز تمامی عواملی درونی نظام که در این‌جا ذکر می‌شوند، وابسته به مشروعیت و «مقبولیت عام» آن نظام حکومتی به صورت کلان نیز هست (Sager, 2012).
 - شفافیت^۴: در دو دهه اخیر یکی از مهمترین عواملی که در حوزه مشروعیت نظام‌های حاکمیتی از جمله نظام‌های شهرسازی در مطالعات مختلف و به خصوص در گفتمان فراحکمرروایی^۵ و حکمروایی شایسته^۶ مطرح شده است، «شفافیت» نظام برای ذی‌مدخلانش است؛ شفافیت به این معنا که رویه‌های تصمیمات و اجرای آن‌ها برای ذی‌مدخلان روشن بوده و اطلاعات کافی برای یک مشارکت موثر در دسترس آن‌ها قرار گیرد.
 - پاسخگویی^۷: به معنای پاسخگو بودن نظام شهرسازی نسبت به ذی‌مدخلان در قبال کُنش‌های خود و امکان تشکیک و حتی واخواهی نسبت به این تصمیمات اخذ شده و اقدامات این نظام از طرف این ذی‌مدخلان است. شفافیت و پاسخگویی از سوی برخی به عنوان عوامل و شاخص‌های «مشروعیت میانی» مطرح می‌شوند (Geeraert, 2014).
 - توان ظرفیت‌سازی و آموزش اجتماعی: یکی از عواملی که کنش برنامه‌ریزی و شهرسازی را در جامعه توجیه می‌کند، آموزش مستقیم و غیرمستقیم به شهروندان برای آگاه‌سازی آن‌ها و افزایش هر چه بیشتر توان و ظرفیت جامعه در ایفای نقش هر چه فعال‌تر در حوزه عمومی و کسب توانمندی در کنترل سرنوشتشان است.

ب - بعد قانونی

- کفایت بستر قانونی: به این معنا که قوانین و ضوابط موجود، کفایت استقرار رویه‌های کنش قانون‌مند و مشروع (در تمامی ابعاد) داشته باشد و به زبانی دیگر ساختار قانونی، ظرفیت بالقوه برای برقراری یک نظام شهرسازی (با رویه‌ها و محتواهای مرتبط) مشروع را تضمین نماید.

¹ Deliberative Democracy

² Inclusion

³ Exclusion

⁴ Transparency

⁵ Meta-governance

⁶ Good Governance

⁷ Accountability

- همخوانی عملکردها و خروجی‌ها با قوانین: قانونی بودن یکی از عوامل توجیه و مشروعیت‌بخشی به رویه‌ها و محتوای کنش شهرسازی چه در داخل نظام شهرسازی و کلیت حاکمیت و چه در میان جامعه به شمار می‌رود.

ج- بعد هنجاری

- همخوانی خروجی‌ها با ساختار هنجاری (اخلاقی، اعتقادی و ارزشی) جامعه هدف: هر گونه تعارض محسوس کنش‌های شهرسازی، با نظام ارزشی و هنجاری اجتماعات هدف، می‌تواند موجب تضعیف مشروعیت آن نظام شود. همخوانی با ساختار هنجاری و عرفی جامعه می‌تواند از طریق شناخت جامعه و مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای از یکسو و نیز مشارکت ذی‌مدخلان و شفافیت و پاسخگویی نظام شهرسازی نسبت به ساکنان از طرف دیگر به وجود آید.
- وجود (و جاری بودن) کدهای اخلاقی (و چارچوب‌های هنجارین) موجه در کنش شهرسازی: یکی از مواردی که می‌تواند موجب خوشنامی، مقبولیت و مشروعیت شهرسازان و نظام شهرسازی شود، وجود شرایط شکل‌گیری تعهد اخلاقی و در پی آن تکوین مجموعه‌ای از کدهای اخلاقی موجه در میان فعالان عرصه شهرسازی است که به نوعی قطب‌نمای عمل شناخته شده برای آن‌ها در کلیه فعالیت‌های آن‌ها باشد.

د- بعد فنی-عملکردی

- کارایی (کمیت نیل به اهداف): کارایی هر نظام در تحقق اهداف و وظایفش، از عوامل توجیه وجودی و مشروعیت بخشی به آن ساختار است. نظام شهرسازی نیز که مسئول انتظام‌بخشی به فرم، فضا و فعالیت در شهر (به عنوان بستر حیات هر روزه شهروندان) است نیز از این قاعده تبعیت می‌کند.
 - موثر بودن: عامل دیگری که باید به آن توجه نمود، این است که آیا «اهداف» و وظایف نظام (در حوزه عملی) به درستی تعیین شده‌اند؟ آیا مسائل شهر به درستی و اولویت آن‌ها، به خوبی تشخیص داده شده است؟ و در نهایت آیا مداخلات نظام شهرسازی مسائل شهر را به درستی هدف قرار داده و در راستای حل آن‌ها گام برداشته است؟ موثر بودن ناظر بر تشخیص درست مسائل، جهت‌گیری صحیح برای اقدام و کیفیت حل مسائل است.
 - استفاده از روش‌های به روز و متخصصان شناخته شده: تکیه بر روش‌های علمی، جدید و قابل دفاع و استفاده از متخصصان شناخته شده (از جمله دانشگاهیان معتبر) از جمله عوامل و منابع توجیه و مشروعیت‌بخشی به نظام شهرسازی است که به نوعی بر کیفیت دانشی کنش‌های شهرسازی دلالت دارد.
- جدول (۱) عوامل مستخرج از مطالعه کتابخانه‌ای صورت گرفته و منابع مستقیم مورد استفاده در این قسمت را به تفکیک عوامل نشان می‌دهد (پایان بخش نخست پژوهش).

روش پژوهش

پژوهش حاضر برپایه نوعی روش‌شناسی مرکب صورت گرفته است که شامل ۳ مدول اصلی است:

الف- بخش مروری و کتابخانه‌ای: با بررسی متون و ادبیات مرتبط با مساله مشروعیت با تاکید بر مشروعیت یک نظام رسمی برنامه ریزی و به صورت خاص شهرسازی (به صورت عام و بدون توجه به جزئیات بافت و زمینه محلی)، پایه‌ها و عوامل اصلی ایجاد مشروعیت یک نظام شهرسازی شناسایی می‌شوند.

ب- بخش مصاحبه با خبرگان در زمینه عوامل مشروعیت‌بخشی به یک نظام شهرسازی و تطبیق نتایج نظرسنجی^۱ با ادبیات و گفتمان علمی جهانی. در این قسمت از کار، در مجموع با ۲۳ خبره (۹ نفر از حرفه مندان شناخته شده و مدیران مهندسی مشاور دارای پایه ۱ در حوزه شهرسازی، ۷ نفر از اساتید دانشگاه و ۹ نفر از مدیران و کارشناسان ارشد دولتی در حوزه توسعه شهری) که با مفهوم مشروعیت آشنا بودند، مصاحبه شد. لازم به ذکر است که این تعداد خود از میان یک فهرست بزرگتر انتخاب شده بودند که پس از تماس‌های اولیه برخی به دلیل عدم تمایل برای مصاحبه و بخشی به علت عدم آشنایی با این مفهوم، تنها امکان مصاحبه با این ۲۳ خبره حاصل شد. طبق منابع مختلف، حجم مورد نیاز برای پژوهش‌های کیفی و کیفی کمی‌سازی شده برپایه روش

¹ Opinion Polling

مصاحبه، در حدود ۱۲ نفر ذکر شده است (Guest, et al., 2006; Bekker and Edwards, 2012; Bonde, 2013). باند (2013, 1) افزایش تعداد مصاحبه‌ها را تا زمانی لازم می‌داند که ادامه کار همچنان عوامل جدیدی را برای ما روشن کند و به زبانی دیگر ما دچار اشباع داده‌ای^۱ نشده باشیم. با بررسی نتایج مصاحبه‌ها، پس از مصاحبه شانزدهم عامل جدیدی شناسایی نشده و همین نشان می‌دهد که حجم نمونه مورد مصاحبه کافی بوده است.



شکل ۱. چارت پژوهش حاضر

پس از مصاحبه نیمه ساختارمند با این افراد در حوزه عوامل موثر بر مشروعیت یک نظام شهرسازی، تحلیل اولیه صورت گرفته و پس از کدگذاری عوامل مشترک میان افراد و اسم‌گذاری برای آن‌ها، اجتماع مجموعه‌های عوامل ذکر شده توسط ۲۳ خبره به عنوان مجموعه کلیه عوامل موثر بر مشروعیت از طرف خبرگان به همراه فراوانی و تواتر ذکر عوامل در کل و نیز به تفکیک سه گروه خبره مورد مصاحبه تهیه شده و با نتایج مطالعه نظری تطبیق داده شد. فراوانی یا تواتر ذکر عامل‌ها، را می‌توان شاخصی برای تعیین اهمیت هر عامل در نظر گرفت.

ج- تحلیل ارتباط عوامل موثر بر مشروعیت با استفاده از نگاشت ادراکی فازی^۲. در این قسمت با ادامه مصاحبه با ۱۶ تن از خبرگان، ارتباط عوامل مشروعیت‌بخش ذکر شده و تاثیرات متقابل و اندرکنش‌های میان آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. پس از روشن شدن عوامل مدنظر این ۱۶ خبره که امکان ادامه مصاحبه را داشتند، ارتباط و اثرات متقابل این عوامل (وجود رابطه، جهت، علامت و شدت اثر بر پایه طیف ترتیبی ۵ تایی لیکرت) مورد پرسش قرار می‌گیرد. در زمینه تشخیص کفایت حجم نمونه در روش «نگاشت ادراکی فازی»، رعایت یکی از دو شرط «حداقل حجم نمونه ۱۲ نفر» یا «شرایط اشباع داده‌ای» وجود دارد (Özemi and Papageorgio, 2014) و بنابراین حجم ۱۶ نفری مورد مصاحبه در این بخش، قابل پذیرش خواهد بود.

برپایه نتایج حاصل از مصاحبه‌ها ۱۶ ماتریس مجاورت برای گراف‌های وزن‌دار^۳ جهت‌دار حاصل می‌شود که گره‌های^۴ آن (یا رئوس شبکه)، عوامل مرتبط با مشروعیت و یال‌های^۵ آن اثرات متقابل میان گره‌ها هستند. لازم به ذکر است که پس از اینکه

¹ Data Saturation

² Fuzzy Cognitive Mapping [FCM]

³ Weighted Graph

⁴ Node

⁵ Line

تمامی n عامل حاصل از مصاحبه‌ها حاصل شد، ابتدا یک ماتریس $n \times n$ اولیه تشکیل شده و ارتباط عوامل مختلف در هر مصاحبه در این ماتریس اولیه مشخص می‌شود. پس از انجام این مرحله ۱۶ ماتریس مجاورت خواهیم داشت که هر یک متناظر با یک گراف یا شبکه عوامل و اثرات متقابل آن‌ها است که به آن «نقشه ادراکی فازی» مساله مشروعیت نظام شهرسازی برای آن خبره و متخصص گفته می‌شود. سپس از ۱۶ ماتریس به دست آمده، میانگین حسابی گرفته شده و ماتریس نهایی، ماتریس مجاورت «نقشه ادراکی فازی جمعی»^۱ حاصل از کل ۱۶ مصاحبه خواهد بود. پس از این مرحله می‌توان بر اساس روش‌شناسی «نگاشت ادراکی فازی» تحلیل‌های لازم را انجام داد. مراحل تهیه نقشه‌های ادراکی فازی، از قرار زیر است.

- تعیین متغیرها توسط هر متخصص یا فرد مطلع. در این روش افراد به صورتی نیمه-ساختارمند (آگاهی اولیه از برخی اطلاعات و موارد نظری) یا غیرساختارمند متغیرها یا مفاهیم مرتبط با مساله را مشخص می‌کنند.
- روابط موجود میان متغیرها و ویژگی‌های آن‌ها (جهت، علامت و مقدار یا وزن آن‌ها) و تشکیل ماتریس مجاورت گراف جهت‌دار-وزن‌دار به دست آمده.
- تلفیق نقشه‌های ادراکی افراد مختلف از طریق اجتماع‌گیری بین متغیرها و میانگین‌گیری از روابط علی و تشکیل نقشه ادراکی فازی جامعه مورد پرسش.
- تحلیل ساختار گراف و خواص هندسی آن.
- شبیه‌سازی سناریوهای تغییر با استفاده از روابط تعیین شده توسط کاسکو (1986).

خروجی این مرحله برای ما نتایج تحلیل مورفولوژیک گراف ارتباط عوامل و نیز یافته‌های تحلیل ۱۶ سناریوی ایجاد تغییر در هر عامل و محاسبه مجموع تغییرات عوامل دیگر (به علت تغییر عامل مذکور) خواهد بود که هر دو به نوعی دلالت بر اهمیت هر عامل با توجه به اندرکنش‌های درونی شبکه دارند.

پس از این، نتایج مرحله دوم و سوم مقایسه شده و با میانگین‌گیری از سه شاخص فراوانی (تواتر)، مرکزیت و مجموع اثرگذاری هر عامل بر عوامل دیگر به ازای هر واحد تغییر آن عامل، (که برای هم مقیاس شدن مقادیر هر سه نرمالیزه شدند)، شاخص ترکیبی^۲ ارزش عوامل به دست آمده حاصل می‌شود و می‌توان عوامل را براساس اهمیت آن‌ها مرتب نمود. شکل (۱)، مراحل مختلف این پژوهش را نشان می‌دهد.

یافته‌های پژوهش

در این بخش از پژوهش، تلاش شد تا عوامل مشروعیت یک نظام شهرسازی از خلال مصاحبه نیمه‌ساختارمند با خبرگان در عرصه شهرسازی استخراج شده و سپس با نتایج مطالعه نظری تطبیق داده شود.

پس از انجام مصاحبه‌ها، یک مرحله پالایش اطلاعات انجام می‌شود. به این معنی که ابتدا فهرست عوامل ذکر شده توسط هر یک از ۲۳ خبره استخراج می‌شود. سپس تمامی عواملی که در چند فهرست ذکر شده و دارای معنای یکسانی هستند، مشخص شده و برای آن‌ها یک عنوان مشترک روشن و شفاف داده می‌شود (برای آشنایی با استانداردهای یکسان‌سازی یا یکسان‌سازی گداهای اطلاعاتی نگاه کنید به Seidman, 2006; Keller, 2017). سپس مجموعه حاصل از اجتماع تمامی مجموعه عوامل ذکر شده توسط خبرگان تشکیل می‌شود و فراوانی هر عامل نیز با توجه به تواتر ذکر آن مشخص است.

جدول (۲)، عوامل به دست آمده را در کل و به تفکیک حرفه‌مندان (۹ خبره)، دانشگاهیان (۷ خبره)، مدیران و کارشناسان ارشد دولتی (۷ خبره) نشان می‌دهد.

نتایج نشان می‌دهد که تفاوت بسیار زیادی میان مجموعه عوامل بدست آمده از مطالعه کتابخانه‌ای و روش مصاحبه با خبرگان دیده نمی‌شود. در بعد قانونی، در مصاحبه‌ها، دو عامل «رعایت حقوق شهروندان» (حقوق فردی) و «رعایت حقوق و منافع عمومی» به دو عامل مستخرج از مطالعات نظری، اضافه شده است. در مصاحبه با خبرگانی که اشاره به این دو عامل نمودند، این سوال پرسیده شد که آیا نمی‌توان این دو عامل را به همان کفایت ساختار قانونی و رعایت قوانین تقلیل داد؛ پاسخ همگی این بود که به دلیل اهمیت بالای این دو عامل، بایستی به صورت مستقل و جداگانه بیان شوند. در حوزه هنجاری، بجای «وجود (و جاری بودن)

¹ Collective Fuzzy Cognitive Map [CFCM]

² Composite Indicator [CI]

کدهای اخلاقی (و چارچوب‌های هنجارین) موجه در کنش شهرسازی» در مطالعه نظری، در مصاحبه‌ها «وجود شرایط شکل‌گیری تعهد اخلاقی» (در میان کنشگران) ذکر شده است. در بعد فنی-عملکردی، در مقابل عامل «توجیه از طریق استفاده از روش‌های به روز و متخصصان شناخته شده» در مطالعه نظری، از مصاحبه‌ها دو عامل «روش‌های علمی، به روز و قابل قبول» و «بضاعت فنی و کارشناسی» نظام شهرسازی استخراج شده است.

جدول ۲. عوامل مشروعیت یک نظام شهرسازی با توجه به مصاحبه با خبرگان و فراوانی و درصد فراوانی آن‌ها

	کل مصاحبه شوندگان	مدیران و کارشناسان دولتی		دانشگاهیان		مهندسان مشاور			
		فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد		
سیاسی-اجتماعی	کیفیت نمایندگی و مشارکت	۸۲,۶۱	۱۹	۵۷,۱۴	۴	۱۰۰	۷	۸۸,۸۹	۸
	کمیت مشارکت (و شمول)	۴۷,۸۳	۱۱	۴۲,۸۶	۳	۷۱,۴۳	۵	۳۳,۳۳	۳
	شفافیت و اطلاع‌رسانی	۵۲,۱۷	۱۲	۱۴,۲۹	۱	۸۵,۷۱	۶	۵۵,۵۶	۵
	پاسخگویی	۲۱,۷۴	۵	۰	۰	۵۷,۱۴	۴	۱۱,۱۱	۱
	اجماع	۲۱,۷۴	۵	۲۸,۵۷	۲	۴۲,۸۶	۳	۰	۰
ایجاد ظرفیت و آگاهی اجتماعی	۱۳,۰۴	۳	۰	۰	۲۸,۵۷	۲	۱۱,۱۱	۱	
قانونی	همخوانی با قوانین و ضوابط	۹۱,۳۰	۲۱	۸۵,۷۱	۶	۸۵,۷۱	۶	۱۰۰	۹
	کفایت ساختار قانونی	۶۹,۵۷	۱۶	۷۱,۴۳	۵	۷۱,۴۳	۵	۶۶,۶۷	۶
	رعایت حقوق فردی شهروندان	۲۱,۷۴	۵	۱۴,۲۹	۱	۲۸,۵۷	۲	۲۲,۲۲	۲
	رعایت حقوق و منافع عمومی	۲۶,۰۹	۶	۲۸,۵۷	۲	۱۴,۲۹	۱	۳۳,۳۳	۳
هنجاری	موجه بودن به لحاظ عرفی، هنجاری، اخلاقی و ارزشی	۳۹,۱۳	۹	۲۸,۵۷	۲	۵۷,۱۴	۴	۳۳,۳۳	۳
	وجود شرایط شکل‌گیری تعهد اخلاقی	۴,۳۵	۱	۰	۰	۱۴,۲۹	۱	۰	۰
فنی-عملکردی	کارایی و تحقق‌پذیری	۶۰,۸۷	۱۴	۷۱,۴۳	۵	۴۲,۸۶	۳	۶۶,۶۷	۶
	موثر بودن (تاثیرگذاری)	۲۱,۷۴	۵	۲۸,۵۷	۲	۲۸,۵۷	۲	۱۱,۱۱	۱
	روش‌شناسی علمی، به روز و قابل قبول	۶۰,۸۷	۱۴	۷۱,۴۳	۵	۵۷,۱۴	۴	۵۵,۵۶	۵
	بضاعت فنی و کارشناسی	۳۰,۴۳	۷	۴۲,۸۶	۳	۱۴,۲۹	۱	۳۳,۳۳	۳
	نگاه یکپارچه و چندوجهی به امر مدیریت توسعه	۱۳,۰۴	۳	۱۴,۲۹	۱	۲۸,۵۷	۲	۰	۰

در مصاحبه‌ها به عامل دیگری به عنوان «نگاه یکپارچه و چندوجهی به امر مدیریت توسعه» نیز اشاره شده که منظور از آن ایجاد نوعی ساختار عملکردی یکپارچه و جلوگیری از تشتت میان نهادهای بخشی و روشن بودن مسئول اصلی مسائل مختلف در نظام شهرسازی است. این عامل خود به عامل کفایت ساختار قانونی وابسته بوده و تا حد زیادی می‌تواند روی پاسخگویی موثر باشد. در گروه حرفه‌مندان (مهندسين مشاور)، هیچ‌گونه اشاره‌ای به ۳ عامل «اجماع»، «وجود شرایط شکل‌گیری تعهد اخلاقی» و «نگاه یکپارچه و چندوجهی به امر مدیریت توسعه» نشده است. در گروه مدیران و کارشناسان ارشد دولتی نیز، سه عامل «پاسخگویی»، «وجود شرایط شکل‌گیری تعهد اخلاقی» و «ایجاد ظرفیت و آگاهی اجتماعی» ذکر نشده‌اند. در گروه دانشگاهیان تمامی عوامل مورد توجه قرار گرفته‌اند.

مجموع درصد فراوانی عوامل، به تفکیک ابعاد چهارگانه مشروعیت، در جدول (۳) نشان داده شده است.

نتایج نشان می‌دهد که در بعد سیاسی-اجتماعی، بالاترین امتیاز مربوط به دانشگاهیان و پایین‌ترین امتیاز مربوط به مدیران و کارشناسان ارشد دولتی است. به نظر می‌رسد که این تفاوت می‌تواند ریشه در اختلاف میان تأکید ادبیات شهرسازی مردم‌سالارانه مدنظر دانشگاهیان با وضع موجود ساختار برنامه‌ریزی و شهرسازی در حوزه عمومی کشور ما (که محیط کنش مدیران دولتی است)، داشته باشد. در بعد قانونی، رتبه نخست در گروه مهندسين مشاور کسب شده که احتمال دارد این امر به دلیل اهمیت این بعد در تسهیل تصویب طرح‌های تهیه شده توسط حرفه‌مندان باشد. دو گروه مورد مصاحبه دیگر هر دو در این بعد امتیاز دوم را کسب

کرده‌اند. بعد هنجاری در هر سه گروه، رتبه آخر را کسب کرده است. بعد فنی-عملکردی، در میان دانشگاهیان و حرفه‌مندان رتبه سوم را میان ابعاد مشروعیت دارد. اما در میان مدیران و کارشناسان دولتی، این بعد رتبه نخست را دارد که همین امر می‌تواند مرتبط با عینی‌گرایی بالا و توجه زیاد به نتایج و خروجی‌ها (و حتی نوعی کمی‌گرایی) در بخش دولتی در ارزیابی موفقیت یک نظام باشد. نتایج کل مصاحبه‌ها، نشان می‌دهد که ابعاد «سیاسی-اجتماعی»، «قانونی»، «فنی-عملکردی» و «هنجاری» رتبه‌های اول تا چهار را کسب کرده‌اند (پایان بخش دوم تحقیق).

جدول ۳. مجموع درصد فراوانی عوامل مشروعیت یک نظام شهرسازی به تفکیک ابعاد و رتبه این ابعاد

	کل مصاحبه شونده‌گان		مدیران و کارشناسان دولتی		دانشگاهیان		مهندسان مشاور	
	رتبه	مجموع درصد	رتبه	مجموع درصد	رتبه	مجموع درصد	رتبه	مجموع درصد
سیاسی-اجتماعی	۱	۳۲۶,۰۹	۳	۱۴۲,۸۶	۱	۳۸۵,۷۱	۲	۲۰۰
قانونی	۲	۲۰۸,۷۰	۲	۲۰۰	۲	۲۰۰	۱	۲۲۲,۲۲
هنجاری	۴	۳۹,۱۳	۴	۲۸,۵۷	۴	۷۱,۴۳	۴	۳۳,۳۳
فنی-عملکردی	۳	۱۹۱,۳۰	۱	۲۲۸,۵۷	۳	۱۷۱,۴۳	۳	۱۶۶,۶۷

تحلیل یافته‌های پژوهش

«نگاشت ادراکی فازی» توسط بارت کاسکو (Kosko, 1986) بر پایه روش «نگاشت ادراکی» ساخته شد، با این تفاوت که هم شدت اثر روابط میان متغیرها در این روش فازی سازی شده^۱ و هم در آن روش‌هایی برای شبیه‌سازی اثرات اعمال تغییر در برخی متغیرها (سناریوهای تغییر) در شبکه به کار گرفته می‌شود. این روش در دو دهه گذشته در بسیاری از دانش‌های کاربردی از جمله علوم اجتماعی، مطالعات محیطی، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مورد استفاده قرار گرفته است (Özesmi and Özesmi, 2004; Glykas, 2010; Amer, et al., 2011; Papageorgiou, 2014; Papageorgiou and Kontogianni, 2012; Gray, et al., 2015). همچنین علاوه بر بکارگیری این روش‌شناسی در حوزه‌های موضوعی گوناگون، نوآوری‌های بسیاری نیز برای توسعه بخش‌های مختلف این روش نیز به کار گرفته شد (Glykas, 2010; Papageorgiou, 2014).

برای انجام این بخش، پس از مصاحبه با ۱۶ خبره، روابط، جهت و شدت اثر متقابل میان عوامل مشروعیت یک نظام شهرسازی، مشخص می‌شود. ماتریس مجاورت استاندارد شده با بعد ۱۷ در ۱۷ (به تعداد عوامل) برای هر ۱۶ مصاحبه تشکیل شده و سپس ماتریس مجاورتی «نقشه ادراکی فازی جمعی»، با میانگین‌گیری حسابی از تمام نقشه‌های ادراکی خبرگان به دست می‌آید. از آنجایی که وزن اثرات متقابل (یال‌های گراف) حاصل از کمی‌سازی داده‌های ترتیبی است، می‌توان آن‌ها را برای ملموس‌تر شدن بر اساس فاصله بیشترین و کمترین وزن‌ها، مقیاس‌بندی کرد. شکل (۲)، نقشه ادراکی فازی جمعی حاصل از ماتریس مجاورتی مقیاس‌گذاری شده را نشان می‌دهد. وزن یال‌های گراف در اینجا شدت تاثیر بالقوه هر عامل بر عامل دیگر را به طور نسبی نشان می‌دهد.

تحلیل مورفولوژیک نقشه ادراکی فازی

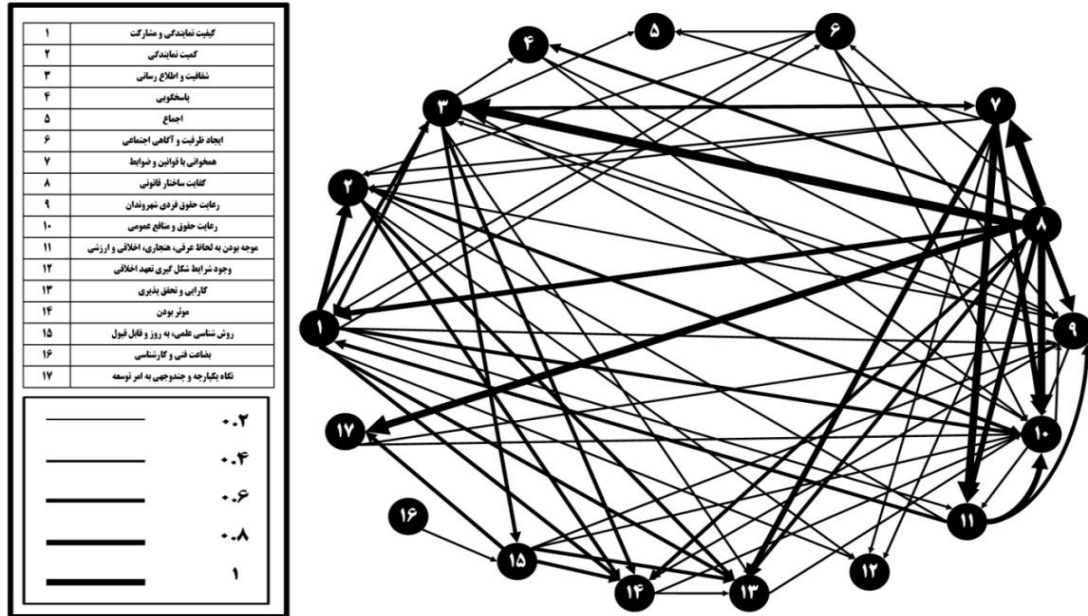
در این راستا، ۳ شاخص اصلی در تحلیل گراف روابط به کار گرفته می‌شود.

الف- درجه ورودی^۲: درجه ورودی یک عامل، برابر با مجموع قدر مطلق وزن کلیه یال‌های ورودی به عامل مورد نظر است و نشان می‌دهد درجه تاثیرپذیری این عامل از عوامل دیگر در شبکه به چه میزان است.

^۱ میزان و شدت اثر بین دو متغیر یا مفهوم، به جای اینکه مانند روش CM فقط +۱، -۱ یا ۰ (صفر یا همان فقدان رابطه) قرار گیرد، به صورت فازی می‌تواند از بازه پیوسته [-1,1] انتخاب شود.

^۲ Indegree [id]

ب- درجه خروجی^۱: درجه خروجی هر عامل برابر با مجموع قدر مطلق وزن یال‌های خروجی از عامل مورد نظر است و نشان می‌دهد که عامل مورد نظر تا چه حد روی عوامل دیگر شبکه تاثیرگذار است.
 ج- مرکزیت^۲: که در هر عامل برابر با مجموع درجه ورودی و درجه خروجی آن عامل است و در بسیاری پژوهش‌ها، مبنای اهمیت گره‌های (عوامل) شبکه با توجه به ارتباطات درونی در نظر گرفته می‌شود (Bonacich, 1987; Borgatti, 2005; Borgatti and Everett, 2006).



شکل ۲. نقشه ادراکی فازی جمعی اثرات متقابل میان عوامل مشروعیت نظام شهرسازی حاصل از مصاحبه با خبرگان

عواملی که درجه ورودی آنها صفر باشد و در شبکه فقط اثرگذاری کنند، عوامل فرستنده^۳، عواملی که خروجی آن‌ها صفر باشد و فقط در شبکه عوامل تاثیر بپذیرند، عوامل گیرنده^۴ و عوامل دیگر، عوامل عادی^۵ خوانده می‌شوند. در نقشه ادراکی فازی جمعی خبرگان، دو عامل «کفایت ساختار قانونی» و «بصاحت فنی و کارشناسی» عوامل فرستنده، «اجماع» و «شرایط شکل‌گیری تعهد اخلاقی» عوامل گیرنده و باقی عوامل عادی هستند. همچنین چگالی گراف حاصل، که به معنای نسبت تعداد ارتباطات متقابل موجود میان عوامل به کل روابط ممکن در شبکه، ۰.۲۳۹ است (۱۷ عامل، ۶۹ یال ارتباطی). جدول (۴)، سه شاخص درجه ورودی، خروجی و مرکزیت عوامل مشروعیت نظام شهرسازی را نشان می‌دهد.

تحلیل مجموع اثر هر عامل روی عوامل دیگر شبکه

کاسکو (۱۹۸۶) نشان می‌دهد که در یک شبکه پویا، در صورتی که عوامل یک مقدار اولیه بگیرند، بدلیل اثرات متقابلی که میان عوامل وجود دارد، مقادیر اولیه آن‌ها آنقدر تغییر می‌کند تا شبکه در نهایت به تعادل برسد. این تغییرات بسته به شرایط شبکه با تعدادی تکرار حاصل از اثرگذاری ترتیبی عوامل روی هم ایجاد می‌شود.

¹ Outdegree [od]
² Centrality
³ Transmitter
⁴ Receiver
⁵ Ordinary

جدول ۴. درجه ورودی، درجه خروجی و مرکزیت عوامل موثر بر مشروعیت (نگارندگان)

		مرکزیت	درجه ورودی	درجه خروجی
سیاسی - اجتماعی	کیفیت نمایندگی و مشارکت	۴٫۸	۱٫۸	۳
	کمیت مشارکت (و شمول)	۲٫۸	۱٫۲	۱٫۶
	شفافیت و اطلاع‌رسانی	۳٫۸	۱٫۶	۲٫۲
	پاسخگویی	۱	۰٫۶	۰٫۴
	اجماع	۰٫۶	۰٫۶	۰
	ایجاد ظرفیت و آگاهی اجتماعی	۱٫۴	۰٫۴	۱
قانونی	همخوانی با قوانین و ضوابط	۴٫۲	۱٫۴	۲٫۸
	کفایت ساختار قانونی	۷	۰	۷
	رعایت حقوق فردی شهروندان	۳٫۸	۳٫۲	۰٫۶
	رعایت حقوق و منافع عمومی	۵	۴٫۶	۰٫۴
هنجاری	موجه بودن به لحاظ عرفی، هنجاری، اخلاقی و ارزشی	۲٫۸	۱٫۲	۱٫۶
	وجود شرایط شکل‌گیری تعهد اخلاقی	۰٫۶	۰٫۶	۰
فنی - عملکردی	کارایی و تحقق‌پذیری	۲٫۸	۲٫۶	۰٫۲
	موثر بودن (تاثیرگذاری)	۲٫۴	۲	۰٫۴
	روش‌شناسی علمی، به روز و قابل قبول	۲	۰٫۴	۱٫۶
	بضاعت فنی و کارشناسی	۰٫۲	۰	۰٫۲
	نگاه یکپارچه و چندوجهی به امر مدیریت توسعه	۱٫۶	۱٫۲	۰٫۴

بنا به کوسکو (همان)، A_i^{t+1} یا اندازه عامل i در تکرار $t+1$ ، با در نظر گرفتن W_{ji} به عنوان وزن یال وارد از عامل j به عامل i و A_i^t یا اندازه عامل i در تکرار t و f به عنوان یک تابع آستانه‌ای، از رابطه (۱) محاسبه می‌شود.

$$A_i^{t+1} = f[A_i^t + \sum_{j=1}^n A_j^t W_{ji}] \quad \text{رابطه (۱)}$$

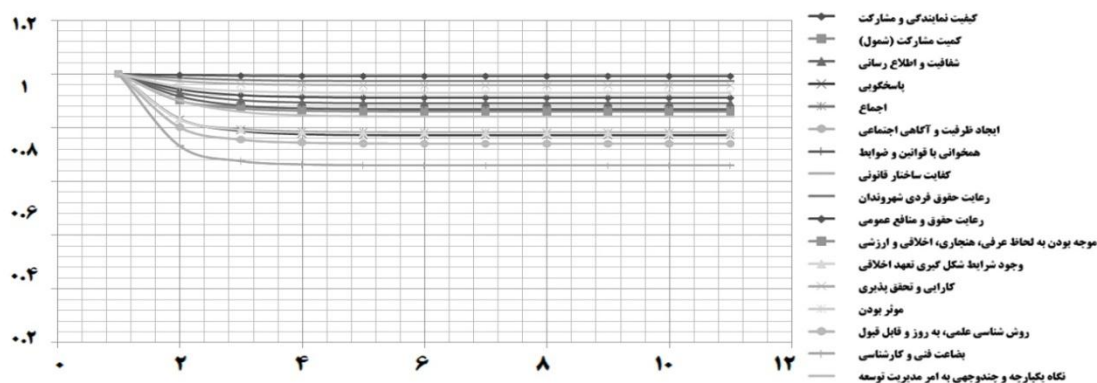
تابع لجستیک، رایج‌ترین تابع آستانه‌ای در محاسبات و تحلیل «نقشه ادراکی فازی» به شمار می‌رود (Kardaras and Karakostas, 1999). این تابع در رابطه (۲) نمایش داده شده است.

$$f(x) = \frac{1}{1 + e^{-\lambda x}} \quad \text{رابطه (۲): تابع آستانه‌ای لجستیک}$$

شبکه زمانی به شرایط تعادل می‌رسد که اختلاف مقدار عامل i در دو تکرار به صفر میل کند (رابطه ۳).

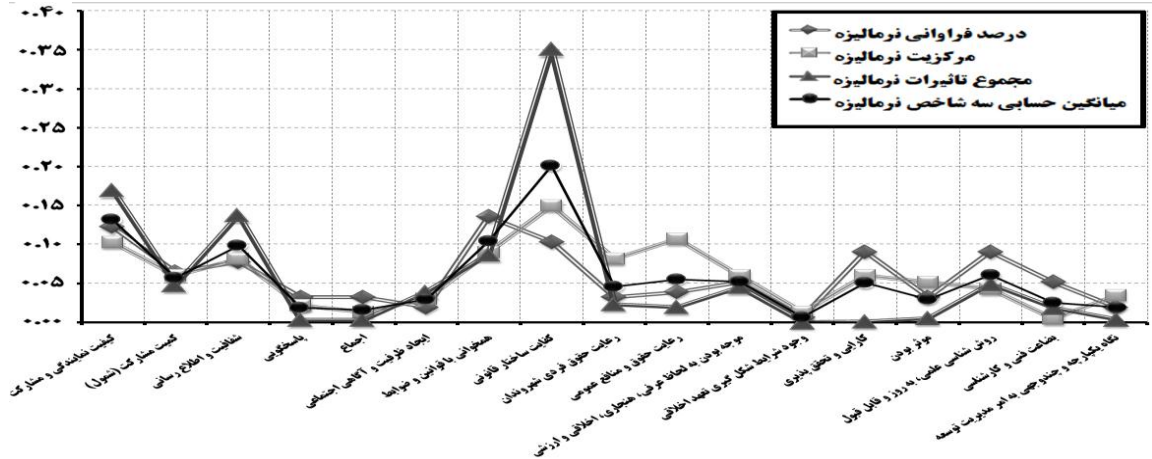
$$A_i^{t+1} - A_i^t < \varepsilon \quad \text{رابطه (۳): شرط تعادل شبکه}$$

در پژوهش حاضر برای محاسبه حالت تعادل، از نرم‌افزار fcmapper استفاده شده است. در این نرم افزار، مقادیر اولیه پیش‌فرض (سناریوی ۱)، برابر با ۱ در نظر گرفته می‌شود. شکل (۳) مراحل رسیدن عوامل به تعادل را نشان می‌دهد.



شکل ۳. مراحل رسیدن عوامل به تعادل در شبکه عوامل مشروعیت نظام شهرسازی با فرض مقدار اولیه ۱ در تحلیل «نقشه ادراکی فازی جمعی»

برای محاسبه این که مجموع اثرات هر یک از عوامل روی عوامل دیگر به چه میزان است، ۱۷ سناریو اجرا می‌شود. در هر سناریو، یکی از عوامل، به اندازه ۱ واحد، نسبت به حالت اولیه تغییر داده می‌شود و سپس مقادیر حالت تعادل با استفاده از نرم افزار محاسبه می‌شود. سپس اختلاف مقادیر حالت تعادل در هر سناریو با مقادیر عوامل در سناریوی اولیه محاسبه می‌شود.



شکل ۴. نمودار مقایسه مقادیر نرمالیزه شده سه شاخص «درصد فراوانی»، «مرکزیت» و «مجموع تاثیرات» و «شاخص ترکیبی» عوامل مشروعیت نظام شهرسازی

مجموع قدرمطلق اختلاف مقادیر حالت تعادل عوامل در سناریوی مذکور با سناریوی اولیه، بعنوان شاخص «مجموع اثر عامل» مورد نظر، به حساب می‌آید. در واقع شاخص TI_i نشان می‌دهد که به ازای یک واحد تغییر در عامل i ، مجموع اندازه تغییرات در ۱۶ عامل دیگر، چقدر است و به نوعی اهمیت این عامل در شبکه را نشان می‌دهد.

جدول ۵. مقادیر نرمالیزه شده سه شاخص «درصد فراوانی»، «مرکزیت» و «مجموع تاثیرات» و «شاخص ترکیبی» عوامل مشروعیت نظام شهرسازی

	میانگین حسابی سه شاخص نرمالیزه	مجموع تاثیرات نرمالیزه	مرکزیت نرمالیزه	درصد فراوانی نرمالیزه
سیاسی-اجتماعی	کیفیت نمایندگی و مشارکت	۰,۱۶۹	۰,۱۰۳	۰,۱۲۳
	کمیت مشارکت (و شمول)	۰,۰۴۷	۰,۰۰۶	۰,۰۶۵
	شفافیت و اطلاع‌رسانی	۰,۱۳۷	۰,۰۸۱	۰,۰۷۷
	پاسخگویی	۰,۰۰۳	۰,۰۲۱	۰,۰۳۲
	اجماع	۰,۰۰۳	۰,۰۱۳	۰,۰۳۲
	ایجاد ظرفیت و آگاهی اجتماعی	۰,۰۳۹	۰,۰۰۳	۰,۰۱۹
قانونی	همخوانی با قوانین و ضوابط	۰,۰۸۷	۰,۰۰۹	۰,۱۳۵
	کفایت ساختار قانونی	۰,۰۳۵	۰,۰۱۵	۰,۱۰۳
	رعایت حقوق فردی شهروندان	۰,۰۲۳	۰,۰۸۱	۰,۰۳۲
	رعایت حقوق و منافع عمومی	۰,۰۱۹	۰,۱۰۷	۰,۰۳۹
هنجاری	موجه بودن به لحاظ عرفی، هنجاری، اخلاقی و ارزشی	۰,۰۴۵	۰,۰۰۶	۰,۰۵۲
	وجود شرایط شکل‌گیری تعهد اخلاقی	۰	۰,۰۱۳	۰,۰۰۶
فنی- عملکردی	کارایی و تحقق‌پذیری	۰,۰۰۱	۰,۰۰۶	۰,۰۰۹
	موثر بودن (تاثیرگذاری)	۰,۰۰۵	۰,۰۵۱	۰,۰۳۲
	روش‌شناسی علمی، به روز و قابل قبول	۰,۰۴۹	۰,۰۴۳	۰,۰۰۹
	بضاعت فنی و کارشناسی	۰,۰۱۸	۰,۰۰۴	۰,۰۵۲
	نگاه یکپارچه و چندوجهی به امر مدیریت توسعه	۰,۰۰۳	۰,۰۳۴	۰,۰۱۹

در این قسمت این مقدار برای هر ۱۷ عامل محاسبه شده است. در گام بعدی برای محاسبه شاخص ترکیبی نهایی بعنوان میزان اهمیت نسبی هر عامل، از طریق میانگین‌گیری حسابی از نرمالیزه شده سه شاخص «درصد فراوانی»، «مرکزیت» و «مجموع تاثیرات» محاسبه شد. نتایج در جدول شماره (۵) نشان داده شده است. همچنین مقایسه گرافیکی اندازه این شاخص‌ها در شکل (۳) نمایش داده شده است. جدول (۶) امتیاز ابعاد چهارگانه «سیاسی-اجتماعی»، «قانونی»، «هنجاری» و «فنی-عملکردی» را برپایه سه شاخص و شاخص ترکیبی حاصل از آن‌ها نمایش می‌دهد.

جدول ۶. امتیاز ابعاد چهارگانه مشروعیت نظام شهرسازی

	مجموع تاثیرات نرمالیزه		مرکزیت نرمالیزه		درصد فراوانی نرمالیزه		میانگین حسابی سه شاخص (نرمالیزه)	
	رتبه	اندازه شاخص	رتبه	اندازه شاخص	رتبه	اندازه شاخص	رتبه	اندازه شاخص
سیاسی - اجتماعی	۲	۰,۳۹۸	۲	۰,۳۰۸	۱	۰,۳۴۸	۲	۰,۳۵۲
قانونی	۱	۰,۴۷۹	۱	۰,۴۲۷	۲	۰,۳۱۰	۱	۰,۴۰۵
هنجاری	۴	۰,۰۴۵	۴	۰,۰۷۳	۴	۰,۰۵۸	۴	۰,۰۵۹
فنی - عملکردی	۳	۰,۰۷۷	۳	۰,۱۹۲	۳	۰,۲۸۴	۳	۰,۱۸۴

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، تلاش بر آن بوده که ابعاد و عوامل مشروعیت یک نظام شهرسازی از خلال مطالعه نظری، مصاحبه با خبرگان و طراحی یک روش‌شناسی ترکیبی شامل «نگاشت ادراکی فازی» به دست آمده و اهمیت نسبی آن‌ها در مقایسه با هم (ضمن شناخت اثران متقابل میان عوامل) مورد ارزیابی قرار گیرد.

در پژوهش حاضر اولین هدف آن بود تا ضمن روشن شدن ابعاد و عوامل موثر بر مشروعیت یک نظام شهرسازی، از منظر ادبیات تخصصی و متون نظری، دیدگاه خبرگان داخلی آشنا با این موضوع نیز مورد بررسی قرار گیرد تا امکان مقایسه برداشت جهانی از این مفهوم و برداشت خبرگان داخلی (با توجه به بافت و زمینه شهرسازی ایران) فراهم شود. خوشبختانه نتایج نشان می‌دهد که در کل شکاف شناختی (عمده‌ای) میان اجتماع نظرات خبرگان شهرسازی ایرانی با ادبیات جهانی مشروعیت نظام‌های شهرسازی (و برنامه‌ریزی) وجود ندارد. با توجه به مقایسه نتایج، میان نتایج مطالعه متون تخصصی و ادبیات جهانی و دیدگاه خبرگان و صاحب‌نظران ایرانی، در بعد سیاسی-اجتماعی هیچگونه تفاوتی دیده نمی‌شود. در بعد قانونی، خبرگان دو عامل «رعایت حقوق فردی شهروندان» و «رعایت حقوق و منافع عمومی» را اضافه بر عوامل ذکر شده در ادبیات جهانی ذکر نمودند. در بعد هنجاری-اخلاقی، به جای «وجود (و جاری بودن) کدهای اخلاقی (و چارچوب‌های هنجارین) موجه در کنش برنامه‌ریزی و شهرسازی»، خبرگان عامل «وجود شرایط شکل‌گیری تعهد اخلاقی» را عنوان کردند. در بعد فنی-عملکردی نیز، بجای «توجه از طریق استفاده از روش‌های به روز و متخصصان شناخته شده» (کیفیت روش‌های حل مساله)، دو عامل «روش‌شناسی علمی، به روز و قابل قبول» و «بضاعت فنی و کارشناسی» به صورت جداگانه ذکر شدند و خبرگان به عامل «نگاه یکپارچه به امر مدیریت توسعه» نیز اشاره نمودند که به طور مستقیم در ادبیات جهانی بیان نشده بود (پایان پاسخ به پرسش نخست پژوهش).

در راستای تعیین اهمیت و رتبه‌بندی عوامل، از محاسبه سه شاخص «درصد فراوانی»، «مرکزیت» و «مجموع تاثیرات» و در نهایت تعریف شاخص ترکیبی حاصل از این سه شاخص استفاده شد. برای مقایسه اهمیت ابعاد چهارگانه مشروعیت نیز می‌توان مجموع امتیاز عوامل به تفکیک ابعاد را محاسبه نمود. بنا به نتایج حاصل شده، در مجموع، بعد قانونی، رتبه نخست، بعد سیاسی-اجتماعی رتبه دوم و بعد فنی-عملکردی و بعد هنجاری، رتبه‌های سوم و چهارم را در میان ابعاد مشروعیت یک نظام شهرسازی کسب کرده‌اند. تفاوت میان رتبه ابعاد در شاخص درصد فراوانی و دو شاخص مرکزیت و مجموع تاثیرات، ممکن است به دلیل تفاوت میان نمونه‌های مورد مصاحبه (نمونه ۲۳ نفری و ۱۶ نفری) باشد. برپایه شاخص ترکیبی نهایی، عوامل موثر بر مشروعیت نظام شهرسازی نیز به تفکیک اهمیت، عبارت است از: «کفایت ساختار قانونی»، «کیفیت نمایندگی و مشارکت»، «همخوانی با قوانین و ضوابط»، «شفافیت و اطلاع‌رسانی»، «روش‌شناسی علمی، به روز و قابل قبول»، «کمیت مشارکت و شمول»، «رعایت حقوق و منافع عمومی»، «موجه بودن به لحاظ هنجاری، اخلاقی و ارزشی»، «کارایی و تحقق‌پذیری»، «رعایت حقوق فردی شهروندان»،

«موثر بودن»، «ایجاد ظرفیت و آگاهی اجتماعی»، «بضاعت فنی و کارشناسی»، «نگاه یکپارچه به امر مدیریت توسعه»، «پاسخگویی»، «اجماع» و «وجود شرایط شکل‌گیری تعهد اخلاقی» (پاسخ به پرسش دوم پژوهش).

یکی از محدودیت‌های این پژوهش، دسترسی به خبرگانی بود که ضمن آشنایی با این موضوع، تمایل به اختصاص وقت و مصاحبه در این باب را داشته باشند. همچنین به دلیل وقت‌گیر بودن مرحله «نگاشت ادراکی فازی»، بخشی از نمونه اولیه ۲۳ نفری ریزش داشت و حجم نمونه به ۱۶ نفر ریزش داشت؛ هر چند که حجم نمونه‌ها با توجه به روش‌شناسی، شرایط ایجاد روایی و پایایی پژوهش را تامین نموده‌اند.

از نکات مثبت این پژوهش می‌توان به جامعیت ابعاد و عوامل مورد مطالعه در مورد مشروعیت نظام شهرسازی اشاره کرد. همچنین می‌توان دیدگاه شبکه‌ای و سیستمی در نگاشت شبکه عوامل مشروعیت (و توجه به اندرکنش‌ها و اثرات متقابل آن‌ها) و بررسی اهمیت عوامل مشروعیت نظام شهرسازی را از نقاط قوت نسبت به دیدگاه‌های خطی در این خصوص دانست که ضمن این که ابزاری برای بررسی اهمیت عوامل و ابعاد مشروعیت به دست داده است، نوعی روش‌شناسی برای مشروعیت‌سنجی در نمونه‌های مطالعاتی در فضای عملی را فراهم نموده است که می‌تواند مورد توجه پژوهشگران علاقه‌مند به این حوزه قرار گیرد.

در پایان بحث، این نکته لازم به ذکر است که در آینده می‌توان پژوهش حاضر را در حوزه‌های مختلف ادامه داد. مرور مجدد متون نظری به صورت گسترده‌تر، سنتز فلسفی و صورت‌بندی‌های جدید از مشروعیت در کنش و نظام شهرسازی، افزایش حجم نمونه خبرگان و صاحب‌نظران و تکرار پژوهش با نمونه‌های دیگر، بررسی نظرات افراد غیر متخصص (مردم) در زمینه عوامل مشروعیت و موجه بودن نظام شهرسازی، مشروعیت‌سنجی نظام‌های شهرسازی واقعی و مطالعات تطبیقی، و نیز استفاده از روش‌شناسی‌های دیگر در بررسی اهمیت عوامل مشروعیت و ارتباط آن‌ها با یکدیگر از جمله مواردی هستند که می‌توانند به عنوان موضوع پژوهش‌های آینده در این حوزه در نظر گرفته شوند.

منابع و مأخذ

- منتشلو، فرهاد، آقاعلی، بهمن و کشاورز امامی، افسانه (۱۳۹۲). منبع مشروعیت برنامه ریزی و برنامه ریزان. ارائه شده در: اولین همایش ملی شهرسازی و معماری در گذر زمان، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران (۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۲).
- Aarsæther, N., Nyseth, T., & Bjørnå, H. (2011). Two Networks, One City: Democracy and Governance Networks in Urban Transformation. *European Urban and Regional Studies*, 18(3), 306-320.
- Adger, N.W., Butler, C., & Walker-Springett, K. (2017). Moral reasoning in adaptation to climate change. *Environmental Politics*, 26(3), DOI: 10.1080/09644016.2017.1287624.
- Alexander, M., Doorn, N., & Priest, S. (2018). Bridging the legitimacy gap: translating theory into practical signposts for legitimate flood risk governance. *Regional Environmental Change*, 18, 397-408.
- Allmendinger, P. (1996). Development Control and the Legitimacy of Planning Decisions: A Comment. *The Town Planning Review [TPR]*, 67(2), 229-233.
- Allmendinger, P., & Haughton, G. (2011). Post-political spatial planning in England: a crisis of consensus? *Transactions of the Institute of British Geographers [TIBS]*, 37(1), 89-103.
- Amer, M., Jetter, A., & Daim, T. (2011). Development of Fuzzy Cognitive Map (FCM)-based scenarios for wind energy. *International of Energy Sector Management*, 5(4), 564-584.
- Ashcraft, R. (ed.) (1991). *John Locke: Critical Assessments*. London: Routledge.
- Ashforth, B.E., & Gibbs, B.W. (1990). The double edge of organizational legitimation. *Organization Science*, 1(2), 177-194.
- Bailey, K., Blandford, B., Grossardt, T., & Ripy, J. (2011). Planning, Technology, and Legitimacy: Structured Public Involvement in Integrated Transportation and Land-Use Planning in the United States. *Environment and Planning B: Urban Analytics and City Science*, 38(3).

- Baker, S.E., & Edwards, R. (2012). Introduction. In S.E. Baker & R. Edwards (Eds.), *How many qualitative interviews is enough* (pp. 3-26). UK: National Centre for Research Methods, Review Paper.
- Balamir, M., & Payne, G. (2001). Legality and legitimacy in urban tenure issues. Paper presented at the Proceedings of ESF/N-AERUS Conference, Katholiek Universiteit Leuven, Belgium, 23-26 May 2001.
- Beetham, D. (1991). *The Legitimation of Power*. Basingstoke: MacMillan.
- Bonacich, P. (1987). Power and Centrality: A Family of Measures. *American Journal of Sociology* [University of Chicago Press], 92, 1170–1182.
- Bonde, D. (2013). *Qualitative Interviews: When enough is ENOUGH*. AU: Research by Design.
- Borgatti, S.P. (2005). Centrality and Network Flow. *Social Networks*, 27, 55–71.
- Borgatti, S.P., & Everett, M.G. (2006). A Graph-Theoretic Perspective on Centrality. *Social Networks*, 28, 466–484.
- Brown, P. (2013). Legitimacy Expectation, Consultation and Fairness in Planning law, *Landmark Chambers*, September.
- BUL [Baltic Urban Lab] (2018). *Integrated planning and partnerships*. Baltic Urban Lab, EU, European Regional Development Fund, Retrieved in 2018 <<https://www.balticurbanlab.eu/content/integrated-planning-and-partnerships>>.
- Carothers, T., & Brechenmacher, S. (2014). *ACCOUNTABILITY, TRANSPARENCY, PARTICIPATION, and INCLUSION: A New Development Consensus?* Carnegie Endowment for International Peace.
- Chambers, S. (2003). Deliberative Democratic Theory. *Annual Review of Political Science*, 6, 307-326.
- Choudhury, N. (2014). Legality and legitimacy of public involvement in infrastructure planning: observations from hydropower projects in India. *Journal of Environmental Planning and Management*, 57(2), 297-315.
- Coakley, M. (2011). On the Value of Political Legitimacy. *Politics, Philosophy and Economics*, 10(14), 345_369.
- Dahl, R.A. (1971). *Polyarchy: Participation and Opposition*. New Haven and London, Yale University Press.
- Dahl, R.A. (1989). *Democracy and its Critics*. New Haven, Yale University Press.
- Egner, B., Haus, M., & Konig, C. (2006). Strong Mayors and Policy Innovations: Lessons from two German Cities. In Hubert Heinelt, David Sweeting, & Panagiotis Getimis (eds.), *Legitimacy and Urban Governance: A Cross-National Comparative Study*. London and New York: Routledge.
- Estlund, D. (2008). *Democratic Authority: A philosophical Framework*. Princeton, Princeton University Press.
- Few, R. (2002). Researching Actor Power: Analyzing mechanisms of interaction in negotiations over space. *Area*, 34(1), 29-38.
- Fridahl, M. (2013). Building legitimacy: Consensus and conflict over historic responsibility for climate change. In Chris Methmann, Delf Rothe, & Benjamin Stephan (eds.), *Interpretive Approaches to Global Climate Governance (De)constructing the Greenhouse*. London and New York, Routledge.
- Getimis, P. (2010). Strategic Planning and urban Governance: Effectiveness and Legitimacy. In Maria Cerreta, Grazia Concilio, & Valeria Monno (eds.), *Making Strategies in Spatial Planning: Knowledge and Values* (pp. 123-146). Springer.

- Getimis, P., & Grigoriadou, D. (2005). Changes in Urban Political leadership. In Haus, M., et al. (eds.), *Urban Governance and Democracy: Leadership and Community Involvement*. Routledge.
- Getimis, P., Grigoriadou, D., & Kyrou, E. (2006). The Role of Political Leadership in the promotion of Legitimation in Urban Policy. In Heinelt, H. et al. (eds.), *Legitimacy and Urban Governance: A cross-national comparative study* (pp. 286-302), Routledge.
- Gilman, H.C. (2005). *ETHICS CODES AND CODES OF CONDUCT AS TOOLS FOR PROMOTING AN ETHICAL AND PROFESSIONAL PUBLIC SERVICE: Comparative Successes and Lessons*. PREM, the World Bank.
- Glykas, M. (ed.) (2010). *Fuzzy Cognitive maps: Advances in Theory, Methodologies, Tools and Applications*. Springer.
- Gray, S. A., Gray, S., Kok, J.L.D., Helfgott, A.E.R., O'Dwyer, B., Jordan, R., & Nyaki, A., (2015). Using fuzzy cognitive mapping as a participatory approach to analyze change, preferred states, and perceived resilience of social-ecological systems. *Ecology and Society*, 20(2), 11 pages.
- Guest, G., Bunce, A., & Johnson, L. (2006). How many interviews are enough? An experiment with data saturation and variability. *Field Methods*, 18, 59-82.
- Häikiö, L. (2007). Expertise, Representation and the Common Good: Grounds for Legitimacy in Urban Governance Network. *Urban Studies*, 44(11), 2147-2162.
- Hansson, H. (2016). The Documentality of Ethics – Codes of Library Ethics as Support of Professional Practice. *Proceedings from the Document Academy*, 3(1), Article 8.
- Haus, M., & Heinelt, H. (2005). How to achieve governability at the local level? Theoretical and conceptual considerations on a complementarity of urban leadership and community involvement. In Michael Haus, Hubert Heinelt and Murray Stewart (eds.), *Urban Governance and Democracy: Leadership and community involvement* (pp. 12-39). London and New York: Routledge.
- Healey, P. (1998). Collaborative planning in a stakeholder society. *Town Planning Review [TPR]*, 69(1), 1–21.
- Healey, P. (2007). *Urban Complexity and Spatial Strategies: Towards a relational planning for our times*. London and New York: Routledge.
- Hellström, T. (1997). Boundedness and legitimacy in public planning. *Knowledge, Technology & Policy*, 9(4), 27-42.
- Hensgen, L. (2016). *The Struggle for Legitimacy: Illustrated upon the relief work carried out through different actors after the earthquake 2015 in Nepal, Essay on Development Policy*. MAS Development and Cooperation.
- Hobbes, Thomas (1994/1651). *Leviathan*. In E. Curley (ed.), *Leviathan, with selected variants from the Latin edition of 1668*. Indianapolis: Hackett.
- Hybels, R.C. (1995) On legitimacy, legitimation and organizations: A critical review and integrative model. *Academy of Management Journal*, Special Issue: Best Papers Proceedings, 241-245.
- Innes, J.E., & Booher, D. (2002). The Impact of Collaborative Planning on Governance Capacity, Working Paper 2003-03 [Paper prepared for presentation at the Annual Conference of the Association of Collegiate Schools of Planning, Baltimore, November 21–24, 2002], Institute of Urban and Regional Development University of California, Berkeley.
- Jenkins, P. (2003). *Investigating the Concepts of Legality and Legitimacy in Sustainable Urban Development: A Case Study of Land Use Planning in Maputo, Mozambique*. Human Settlement Development IV, Encyclopedia of Life Support Systems, EOLSS.
- Jessop, B. (2004). Multi-Level Governance and Multi-Level Meta-Governance changes in the European union as Integral Moments in The Transformation and Re-Orienting of

- Contemporary Statehood. In I. Bache & M. Flinders (eds.), *Multi-Level Governance* (pp. 49-74), Oxford: Oxford University Press.
- Junjan, V. (2015). Strategic Planning in local governments in Europe: Where do we go now? *Transylvanian Review of Administrative Sciences* (Special Issue), 45-54.
- Kardaras, D. & Karakostas, B. (1999). The use of fuzzy cognitive maps to simulate the information systems strategic planning process. *Information and Software Technology*, 41(4), 197-210.
- Keller, A. (2017). How to Gauge the Relevance of Codes in Qualitative Data Analysis? - A Technique Based on Information Retrieval. In Leimeister, J.M. & Brenner, W. (Eds.), *Proceedings in 13. Internationalen Tagung Wirtschaftsinformatik*, St. Gallen, 1096-1110.
- Kilinç, G., Özgür, H., & Neval, G.F. (2012). The Possible Sources of Ethical Issues in Urban/Physical Planning in Turkey. *Turkish Studies*, 13(1), 45-65.
- Kosko, B. (1986). Fuzzy Cognitive Maps. *International of Man-Machine Studies*, 24, 65-75.
- Liljenfeldt, J. (2014). Legitimacy and Efficiency in Planning Processes: (How) Does Wind Power Change the Situation? *European Planning Studies*, 23(4), 811-827.
- Lipset, S.M. (1983). *Political Man: The Social Bases of Politics* (expanded edition). London: Heinemann.
- Martin, B., & Mayntz, R. (eds.) (1991). *Policy Networks: Empirical Evidence and Theoretical Considerations*. Frankfurt: Campus.
- Mascarenhas, M., & Scarce, R. (2010). "The Intention Was Good": Legitimacy, Consensus-Based Decision Making, and the Case of Forest Planning in British Columbia, Canada. *Society & Natural Resources*, 17(1), 17-38.
- Matti, S. (2009). *Exploring Public Policy Legitimacy: A Study of Belief-System Correspondence in Swedish Environmental Policy* (Doctoral Thesis). Luleå University of Technology.
- Montpetit, É. (2007). POLICY DESIGN FOR LEGITIMACY: EXPERT KNOWLEDGE, CITIZENS, TIME AND INCLUSION IN THE UNITED KINGDOM'S BIOTECHNOLOGY SECTOR. *Public Administration* [doi: 10.1111/j.1467-9299.2007.00698.x.]
- Muro, M., & Jeffrey, P. (2008). A critical review of the theory and application of social learning in participatory natural resource management processes. *Journal of Environmental Planning and Management*, 51(3), 325-344.
- Özesmi, U., & Özesmi, S.L. (2004). Ecological models based on people's knowledge: a multi-step fuzzy cognitive mapping approach. *Ecological Modelling*, 176, 43-64.
- Papageorgiou, E.I. & Kontogianni, A. (2012). Using Fuzzy Cognitive Mapping in environmental decision making and management: A methodological primer and an application. In S.S. Young & S.E. Silvern, *International Perspectives on Global Environmental Change* (pp. 427-450). InTech Publication.
- Papageorgiou, E.I. (ed.) (2014). *Fuzzy Cognitive Maps for Applied Sciences and Engineering From Fundamentals to Extensions and Learning Algorithms*. Springer.
- Pløger, J. (2004). Ethics in Norwegian planning – legitimacy, ambivalence, rhetoric. *Planning Practice & Research*, 19(1), 49-66.
- Rein, M. (1969). Social Planning: The Search for Legitimacy. *Journal of the American Institute of Planners [JAIP]*, 35(4), 233-244.
- Rossi, E. (2010). Modus Vivendi, Consensus, and (Realist) Liberal Legitimacy. *Public Reason: Journal of Political and Moral Philosophy*, 2(2), 21-39.
- Sager, T. (2012). Collective Action: Balancing Public and Particularistic Interests. In R. Weber & R. Crane (eds.), *The Oxford Handbook of Urban Planning* (pp. 25-45). Oxford: Oxford University Press.

- Seidman, I. (2006). *Interviewing as Qualitative Research: A Guide for Researchers in Education and the Social Sciences* (Third Edition). New York and London: Teachers College, Columbia University.
- Simmons, A.J. (2001). *Justification and Legitimacy: Essays on Rights and Obligations*. Cambridge University Press.
- Sinner, J., Newton, M., & Duncan, R. (2015). *Representation and legitimacy in collaborative freshwater planning* [STAKEHOLDER PERSPECTIVES ON A CANTERBURY ZONE COMMITTEE], CAWTHRON INSTITUTE, REPORT NO. 2787.
- Smith, R.W. (1973). A Theoretical Basis for Participatory Planning. *Policy Sciences*, 4(3), 275-295.
- Sternberger, D. (1968). Legitimacy. *International Encyclopedia of the Social Sciences* (Vol. 9, 244). New York: MacMillian and Free Press.
- Stewart, M. (2005). Collaboration in multi-actor governance. In Michael Haus, Hubert Heinelt & Murray Stewart (eds.), *Urban Governance and Democracy: Leadership and community involvement* (pp. 149-167). London and New York: Routledge.
- Stewart, M., Carmichael, L. & Sweeting, D. (2004). *Participation, leadership and urban sustainability*. PLUS Final Research Report (www.plus-eura.org/researchfindings.htm).
- Tait, M. (2012). Building trust in planning professionals: understanding the contested legitimacy of a planning decision. *The Town Planning review [TPR]*, 83(5), 597-617.
- Taylor, Z. (2018). Pathways to Legitimacy. *Planning Theory*, Oct. 17, 2018, DOI: 10.1177/1473095218806929 (Published Online), 1-23.
- Tewdwr-Jones, M. (1995). Development Control and the Legitimacy of Planning Decisions. *Town Planning Review [TPR]*, 6(2), 163-181.
- Wallner, J. (2008). Legitimacy and Public Policy: Seeing Beyond Effectiveness, Efficiency, and Performance. *Policy studies Journal*, 36(3), 421-443.
- Weatherford, M.S. (1992). Measuring Political Legitimacy. *American Political Sciences Review*, 86(1), 149-166.
- Zelditch, M., Jr. (2001). Theories of Legitimacy. In J.T. Jost & B. Major (eds.), *The Psychology of Legitimacy: Emerging Perspectives on Ideology, Justice and intergroup relations* (pp. 33-53). Cambridge: Cambridge University Press.